

تضعیف حق اعتراض در دوران مدرن

گسترش سیاست‌های نئولیبرالی باعث تصویب قوانینی شده که قدرت اخلا لگر اعتصاب و چانه‌زنی جمعی کارگران را محدود و عملا این ابزارها را از کار انداخته‌اند



▲ عکس با هوش مصنوعی ساخته شده است

حق اعتصاب و حق چانه‌زنی جمعی قدرتمندترین ابزارهایی هستند که کارگران برای دفاع از خود در برابر سوءاستفاده‌های کاری در اختیار دارند. در میان سال‌های ۱۹۴۸ تا ۲۰۱۲، این حق به‌طور ضمنی توسط سازمان ملل متحد و از طریق کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار (ILO) مورد حمایت قرار می‌گرفت. اما در سال‌های اخیر، فشار بر این دو حق در سراسر جهان شدت یافته و موارد نقض و ارباب روزبه‌روز بیشتر شده است. گسترش سیاست‌های نئولیبرالی باعث شده بسیاری از دولت‌ها قوانین جدیدی را برای محدود کردن تأثیر اعتصابات تصویب کنند. قوانینی که قدرت اخلا لگر اعتصاب را تضعیف کرده و در عمل چنین ابزاری را از کار انداخته‌اند؛ در نتیجه حق چانه‌زنی جمعی و اعتصاب دیگر به‌عنوان ابزار اعمال فشار و حمایت از کارگران کارایی ندارد.

چرا اوضاع بهبود نیافته است

پذیرش یکپارچه این حقوق از سال ۲۰۱۲ شروع به تغییر کرد؛ زمانی که «گای رایدر»، اتحادیه‌گرای بریتانیایی، به‌عنوان مدیرکل سازمان بین‌المللی کار منصوب شد. او وعده داد که این نهاد وابسته به سازمان ملل را اصلاح کند تا اقتدار عملی بیشتری در زمینه حمایت از حقوق کارگران

غذا، زمین را می‌خورد

تغییر رژیم غذایی به سمت سبزیجات، حبوبات و کاهش گوشت، کلید حفظ سلامت زمین و انسان هاست

حتی اگر جهان از فردا مصرف زغال‌سنگ، نفت و گاز را متوقف کند، آنچه ما می‌خوریم همچنان به‌تنهایی برای گرم کردن زمین بیش از ۱.۵ درجه سانتی‌گراد کافی خواهد بود. این هشدار جدی از سوی «کمسیون EAT-Lancet» منتشر شده است؛ هیأتی متشکل از بیش از ۷۰ دانشمند برجسته از شش قاره جهان که اخیرا جامع‌ترین ارزیابی خود از چگونگی بی‌ثبات شدن سیاره با عادات غذایی را منتشر کرده است. تقریباً یک‌سوم از انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی از غذا ناشی می‌شود. از متانی که گاوها در فرایند هضم خود بیرون می‌دهند گرفته تا جنگل‌هایی که برای تولید خوراک دام نابود می‌شوند و سوخت‌های فسیلی‌ای که برای تولید کودهای شیمیایی به کار می‌رود. اما آسیب‌ها به انتشار گازها محدود نمی‌شود. نظام‌های غذایی اکنون بزرگ‌ترین عامل تجاوز بشر از «فضای ایمن عملکردی زمین» هستند. این همان مرزهای زیست‌محیطی سیاره ماست و باعث از بین رفتن تنوع زیستی، تخریب زمین، کمبود آب شیرین و آلودگی ناشی از کودها شده است. «یوهان روکستروم»، دانشمند سوئدی که ریاست مشترک این هیئت را بر عهده داشت معتقد است «نتایج، هشداردهنده‌اند». «روکستروم» مفهوم «مرزهای سیاره‌ای» را پایه‌گذاری کرده و باور دارد که «غذا به‌تنهایی می‌تواند ما را فراتر از ۱.۵ درجه‌برد... اما همین غذا می‌تواند به بازگشت تعادل کمک کند.»

نقشه راه برای تغییر

استدلال اصلی دانشمندان این است که هنوز هم می‌توان حدود ۱۰ میلیارد نفر را در محدوده ایمن عملکردی زمین با رژیمی سالم تغذیه

در سراسر جهان داشته باشد. سازمان بین‌المللی کار بر پایه نظام سه‌جانبه عمل می‌کند و گفت‌وگویی دائمی را میان نمایندگان ۱۸۷ کشور عضوو همچنین کارفرمایان و اتحادیه‌های کارگری بین‌المللی برقرار می‌کند. این سازمان هر سال در ماه ژوئن «کنفرانس بین‌المللی کار» را برگزار می‌کند. با این حال، از سال ۲۰۱۲ به بعد، کارفرمایان منکر «کنوانسیون شماره ۸۷» سازمان شدند که به‌طور ضمنی حق اعتصاب را تضمین می‌کند؛ موضعی که در طول ۶۴ سال پیش از آن پذیرفته بودند. این امر باعث تحریم سازمان از سوی کارفرمایان و فلج شدن «کمیته اجرای استانداردها» (CAS)، اصلی‌ترین نهاد نظارتی سازمان شد. هرگاه کارگران موارد مشخصی از نقض حق اعتصاب را گزارش می‌دهند (یعنی موارد نقض ضمنی کنوانسیون ۸۷)، کارفرمایان از اساس این حق را به‌رسمیت نمی‌شناسند و در نتیجه، تمامی روندهای رسیدگی به شکایات متوقف می‌شود. اوضاع تا حدی وخیم شده که سازمان بین‌المللی کار طی ۱۳ سال گذشته نتوانسته گزارش‌های جهانی سالانه خود درباره وضعیت حقوق کار را منتشر کند. از سال ۲۰۱۴، «کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری» (ITUC) خود اقدام به انتشار این گزارش‌ها کرده، اما بدون مشروعیت سه‌جانبه‌ای که گزارش‌های پیشین سازمان بین‌المللی کار داشتند.

تضعیف ابزار اعتراض کارگری

پس از نزدیک به ۱۵ سال حملات سازمان‌یافته، حق اعتصاب در سراسر جهان روبه زوال است. بنابر «شاخص جهانی حقوق ۲۰۲۵» که از سوی ITUC منتشر شده، این حق در ۱۳۱ کشور نقض شده است؛ یعنی در ۸۷ درصد از ۱۵۱ کشوری که گزارش آن‌ها مورد پوشش قرار گرفته است. در همین حال، در ۱۲۱ کشور (۸۰ درصد) حق کارگران برای چانه‌زنی جمعی درباره شرایط کاری‌شان به شدت محدود شده یا کاملاً از بین رفته است. روند کاملاً روشن است: بر پایه گزارش مناطق مختلف، حق اعتصاب در سال ۲۰۲۵ در ۹۵ درصد از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، ۹۳ درصد از کشورهای آفریقا، ۹۱ درصد از کشورهای آسیا و اقیانوسیه، ۸۸ درصد از کشورهای قاره آمریکا و ۷۳ درصد از کشورهای اروپایی نقض شده است.

در اروپا و با وجود اینکه زمانی این حق بیش از هر جای دیگر نهاده‌ینه‌شده بود، اکنون گرایشی فزاینده میان دولت‌های راست‌گرا وجود دارد که با وضع موانع قانونی، اعتصابات را جرم‌انگاری کرده و شرکت‌کنندگان در آن را بدنام می‌کنند. به‌ویژه در اروپا، منطقه‌ای که در دهه گذشته بیشترین افت در حقوق کار را تجربه کرده است، تلاش‌های فزاینده‌ای صورت گرفته تا از طریق قانون‌گذاری، دامنه و شرایط

مجاز برای برگزاری اعتصابات محدود شود. این تغییرات سیاسی که از اندیشه‌های نئولیبرالی الهام گرفته‌اند، هدفشان گسترش بیش از حد مفهوم «خدمات حیاتی» در هر کشور است، اقدامی که عملاً حق اعتصاب را در بخش‌های گسترده‌تری از اقتصاد از کار می‌اندازد. سازمان بین‌المللی کار «خدمات حیاتی» را به‌طور دقیق چنین تعریف می‌کند: «خدماتی که قطع آن‌ها ممکن است زندگی، سلامت یا امنیت مردم در هر بخش از جمعیت را به خطر اندازد.» اما هرچه بیشتر پارلمان‌ها این تعریف را گسترش می‌دهند تا بخش‌هایی مانند حمل‌ونقل، آموزش و بهداشت را نیز در بر گیرد، در عین حال الزام به حفظ سطح بالایی از خدمات حداقلی را وضع می‌کنند. در نتیجه اعتصابات توان اخلا لگر خود را از دست می‌دهند و همراه با آن، اثربخشی‌شان به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار نیز از میان می‌رود.

تأثیر عملی محدودیت‌های قانونی

«استفان سبرو»، تاریخ‌دان فرانسوی و متخصص جامعه‌شناسی اعتصاب‌ها، اتحادیه‌گرایی و روابط اجتماعی، در گفت‌وگو با ایکوال تایمز می‌گوید: «آنچه در نهایت باعث موفقیت یک اعتصاب می‌شود، توانایی آن در ایجاد اختلال در نظام اقتصادی است». «بنابراین، اگر قانونی تصویب کنیم که هدفش اطمینان از این باشد که یک اعتصاب تا حد امکان کمترین اختلال را ایجاد کند، در واقع حق وجود آن را انکار کرده‌ایم. ممکن است قانون به‌صورت ظاهری اجازه برگزاری اعتصاب را بدهد، اما در عمل روح آن را از بین می‌برد.»

این وضعیت با قوانینی بدتر شده که مسیر تهاجم محافظه‌کاران به حقوق کار را هموار کرده‌اند، مانند «قانون اعتصابات (سطوح خدمات حداقلی)» که در سال ۲۰۲۳ در بریتانیا تصویب شد و اکنون در آستانه لغو قرار دارد. این قانون به کارفرمایان در برخی بخش‌های استراتژیک اجازه می‌دهد تا کارگران را وادار کنند از اعتصاب دست بکشند، در غیر این صورت با خطر اخراج روبه‌رو می‌شوند. همچنین این قانون امکان سرکوب اعتراضات کارگری و جایگزینی کارگران اعتصابی با نیروهای موقت را فراهم می‌کند. پاسخ به تهاجم علیه حق اعتصاب در سه سطح دنبال می‌شود:

در سیاست، آگاهی کارگران و رأی به احزاب حامی حقوق آنان ضروری است؛ در اجتماع، حفظ اتحاد و سازمان‌یافتگی جمعی تنها راه دفاع در برابر سوءاستفاده‌هاست؛ و در عرصه حقوقی، کشورهای عضو سازمان بین‌المللی کار پرونده را به دیوان بین‌المللی دادگستری سپرده‌اند تا درباره حمایت از حق اعتصاب و چانه‌زنی جمعی رأی دهد. نتیجه این حکم تعیین‌کننده است؛ چه در تقویت حفاظت بین‌المللی از این حقوق و چه در تسریع تلاش نئولیبرال‌ها برای محدود کردن آن.

منبع: IqualTimes



این بار نیز «تلاشی هماهنگ» برای بی‌اعتبار کردن یافته‌ها صورت گرفته است.

وعده شکنی اروپا

مطالعه اصلی «لنست» مستقیماً در تدوین «استراتژی از مزرعه تا سفره» اتحادیه‌ی اروپا (Farm to Fork Strategy) تأثیر داشت؛ برنامه‌ای که در سال ۲۰۲۰ به عنوان بخشی از «توافق سبز» توسط «اورسولا فن در لاین» رئیس کمیسیون اروپا راه‌اندازی شد. این نقشه راه وعده داده بود با نصف کردن مصرف آفت‌کش‌ها، کاهش کودهای شیمیایی، گسترش کشاورزی ارگانیک و ترویج رژیم‌های غذایی سالم‌تر، نظام غذایی اروپا را «منصفانه، سالم و دوستدار محیط زیست» کند.

با این حال، پس از پنج سال، «از مزرعه تا سفره» عملاً از بین رفته است. در پی اعتراض کشاورزان، لایه‌های هماهنگ صنایع و پیامدهای سیاسی جنگ روسیه و اوکراین، اتحادیه اروپا بی‌سروصدا بلندپروازانه‌ترین اصلاحات غذایی خود را کنار گذاشت.

در عوض، اتحادیه دوباره به همان مناقشات قدیمی بازگشته است: اینکه آیا باید پارانه‌های کشاورزی را محدود کرد یا نه، چگونه باید واردات از اوکراین یا آمریکای لاتین را مدیریت کرد و چطور می‌توان کشاورزان خشمگین فرانسه، آلمان و لهستان را آرام کرد. این در حالی است که دانشمندان خود اتحادیه هشدار می‌دهند کشاورزی عامل اصلی نابودی تنوع زیستی و تخریب خاک و منابع آبی است.

منبع: پولیتیکو

جهان

۱۳

A T I Y E N O

خبر

تعرفه‌های ترامپ و چالش پاستای ایتالیا

صنعت پاستای ایتالیا با بحرانی تازه روبه‌روست که آینده صادرات این کشور به آمریکا را تهدید می‌کند.

وزارت بازرگانی آمریکا تعرفه‌های موقتی نزدیک به ۹۲ درصد بر ۱۳ برند پاستای ایتالیایی اعلام کرده و اگر این تصمیم اجرایی شود، با احتساب تعرفه ۱۵ درصدی موجود، مجموع تعرفه‌ها به بیش از ۱۰۶ درصد خواهد رسید.

ایتالیا در سال ۲۰۲۴ حدود ۷۰۰ میلیون یورو پاستا به آمریکا صادر کرده و تولیدکنندگان از پیامدهای شدید این تصمیم بسیار نگرانند.

رئیس اتحادیه صنایع غذایی ایتالیا این اقدام را «ناعادلانه» و نوعی حمایت‌گرایی آشکار علیه پاستای ایتالیایی خوانده و خواستار حمایت فوری دولت برای عبور از بحران شده است.

بسیاری از شرکت‌های کوچک و متوسط که سهم زیادی از صادرات ایتالیا را تشکیل می‌دهند، بیم دارند که با ادامه تعرفه‌ها، فعالیت‌شان متوقف شود و بازارهای آمریکایی‌را آنها بسته شود.

ریشه این ماجرا به سال ۱۹۹۶ بازمی‌گردد، زمانی که تولیدکنندگان آمریکایی ادعای دامپینگ کردند و گفتند پاستای ایتالیایی با قیمتی پایین‌تر از بازار داخلی وارد آمریکا می‌شود.

از آن زمان تاکنون، تعرفه‌ها همواره یکی از دغدغه‌های تولیدکنندگان ایتالیا بوده، اما فشار کنونی بسیار شدیدتر از گذشته است. دوره بررسی پرونده از اول ژوئیه ۲۰۲۳ تا پایان ژوئن ۲۰۲۴ بوده و شرکت‌های ایتالیایی امیدوارند با زبینی پرونده تا پایان سال ۲۰۲۵ فشارها را کاهش دهد. دو شرکت بزرگ، کاروفالو و لاملیزانا، علیه این تصمیم شکایت قضایی تنظیم کرده‌اند و امیدوارند از مسیر قانونی بتوانند تعرفه‌ها را کاهش دهند. در حال حاضر آینده صادرات این کشور به بزرگ‌ترین بازار خارجی خود نامعلوم است و بخش بزرگی از صنعت پاستای ایتالیا با خطر کاهش شدید درآمد روبه‌روست.

دولت ایتالیا و کمیسیون اروپا نیز وارد عمل شده‌اند، هرچند اقدامات آن‌ها عمدتاً حقوقی است و دامنه تأثیرگذاری محدودی دارد. وزیر کشاورزی ایتالیا سیاست آمریکا را «بیش‌ازحد حمایت‌گرایانه» خوانده و وزارت خارجه تعرفه‌ها را «نامتناسب» اعلام کرده است.

نمایندگان ایتالیا در واشنگتن فعالانه پیگیر پرونده هستند و اتحادیه اروپا در حال بررسی امکان اقدام از طریق سازوکارهای قانونی و حتی سازمان جهانی تجارت است. اگر روند تحقیق آمریکا نقض داشته باشد، ممکن است اقدامات تلافی‌جویانه علیه این کشور در پیش گرفته شود و فشار بر دولت ترامپ افزایش یابد.

کارشناسان معتقدند هدف قرار گرفتن پاستا احتمالاً ناشی از اختلافات داخلی میان نهاد‌های تجاری دولت ترامپ است؛ نه صرفاً سیاست علیه ایتالیا. نمایندگان پارلمان اروپا اقدام آمریکا را تبعیض‌آمیز خوانده و خواستار دخالت کمیسیون اروپا شده‌اند. این بحران نشان می‌دهد که حتی محصولی نامدین و شناخته‌شده مانند پاستای ایتالیا می‌تواند هدف تنش‌های تجاری و سیاسی بین‌المللی قرار گیرد و تأثیر آن بر اقتصاد و شرکت‌های کوچک و بزرگ این کشور جدی خواهد بود. تولیدکنندگان امیدوارند با حمایت دولت و اتحادیه اروپا، مسیر قانونی برای کاهش فشارها باز شود و پاستای ایتالیایی بتواند جایگاه خود را در بازار آمریکا حفظ کند، به رشد صادرات ادامه دهد و بخشی از هویت اقتصادی و فرهنگی ایتالیا باقی بماند.